

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

نام كتاب: جن ، ابليس ، شيطان

شماره كتاب: 03

نويسنده: محمد بزرگپور

- ۴.....واژه جن
- ۴.....سابقه خلقت جن
- ۴.....هدف از آفرینش جن جنس و
- ۴.....اقسام و اصناف جن
- ۴.....خصوصیات و خصلت جن
- ۵.....دنایای جن
- ۵.....جن چرا در زمین؟
- ۵.....غذای اجنه
- ۵.....آیا جن نیز مانند انسان ثواب و عقاب دارد؟
- ۵.....تفکرات خرافی درباره ی جن
- ۵.....آیا جن حق تسلط بر انسان را دارد؟ در چه شرایط؟
- ۶.....دعا برای رفع جن
- ۶.....باطل کردن سحر و جادو
- ۶.....اطلاعاتی جالب و خواندنی در مورد جن

- ۷.....دنیای ابلیس و شیطان.....
- ۷..... فرق هوای نفس با وسوسه شیطان چیست؟.....
- ۸..... تفاوت شیطان و ابلیس.....
- ۸..... (واژه ابلیس).....
- ۸..... (آیا ابلیس از جن بوده است یا فرشته؟).....
- ۸..... گفتگوی ابلیس با خدا.....
- ۹..... ابلیس به پنج دلیل مستوجب لعنت گردید.....
- ۹..... (کار ابلیس و یارانش).....
- ۹..... (ازدواج ابلیس).....
- ۱۰..... (واژه شیطان).....
- ۱۰..... از امام صادق (ع) نقل است که دیدن شیطان در خواب بر ۶ وجه است.....
- ۱۰..... مکانهای حضور شیطان.....
- ۱۰..... خوراک شیطان.....
- ۱۰..... بهترین دام شیطان.....
- ۱۰..... (شیطان و فساد در زندگی).....
- ۱۰..... (نتیجه اطاعت از شیطان).....
- ۱۰..... (شیطان پرستان چه کسانی هستند؟).....
- ۱۱..... مراسم نیایش شیطان پرستان.....
- ۱۱..... شکل و شمایل شیطان.....

سئوالات رایج

- خدای تعالی قبل از خلقت شیطان می دانست که چه کار هایی از او صادر می شود پس چرا شیطان را آفرید و حکمت آفرینش او چیست و آیا امکان دارد خداوند ابلیس را ببخشد؟..... ۱۱
- ۱۱..... (آیا امکان دارد خداوند شیطان را ببخشد)؟.....
- ۱۲..... منابع.....

جن در لغت به معنی موجود پنهان و نامرئی است یعنی چیزی که از حواس انسانی پوشیده است. و واژه جان که هفت بار در قرآن کریم آمده است در کتاب های اقراب الموارد و قاموس قرآن به معنی اسم جمع جن است ولی در مجمع البحرین و کشف به معنی پدر بزرگ جن است. مثل جنت که باغی سرسبز و پنهان است یا مثل جنان یعنی آن دلی که در سینه پنهان است.

سابقه خلقت جن

خداوند در این آیه (و لقد خلقنا الانسان من صلال من حما مسنون والجان خلقناه من قبل من نار السموم) (معنی: همانا ما انسان را از گل و لای سالخورده تغییر یافته بیا فریدیم و طایفه جن را پیشتر از آتش گذرانده خلق نمودیم) به تقدم خلقت جن و شیطان بر انسان تصریح دارد اما این که این مدت چه مقدار است ظاهراً دلیل معتبری در دست نیست جز اینکه محی الدین ابن عربی (ره) می گوید: بین خلقت جن و خلقت آدم (ع) شش هزار سال فاصله بوده است) مسعودی گفته است: موقعی که خداوند رحمان اراده نمود آدم (ع) خلق کند مدت هفت هزار سال بر جن گذشته بود. و همچنین خداوند در این آیه به جنس جن که از آتش است اشاره نموده است

هدف از آفرینش جن جنس و ...

((ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون)) ((جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه خداوند را پرستش نمایند)).. وقتی سخن از خلقت جن از آتش به میان می آید منظور آتش شناخته شده نیست بلکه سخن از نوع خاصی از آتش است برای اینکه لفظ نار نکره است در این مورد خداوند به دو مرحله از خلقت جن اشاره نموده است یکی مارچ ((اختلاط شعله های مختلف آتش است)) و دیگری نار - مارچ مرحله دیگری از نار است که نار قابل رویت می باشد ولی مارچ محصول نادیدنی از آتش است که همان انرژی حاصل از آتش است... ((و لقد خلقنا الانسان من صلال من حما مسنون والجان خلقناه من قبل من نار السموم)) (معنی: همانا ما انسان را از گل و لای سالخورده تغییر یافته بیا فریدیم و طایفه جن را پیشتر از آتش گذرانده خلق نمودیم) منظور از نار سموم ((آتش فر افروخته)) مانند آتش دستاورد بشر نیست بلکه از آتش فراگیر و سوزنده و پهنآور و گسترده و دراز مدت و پایدار قبل از آفرینش انسان است. لازم است بدانیم این آتش از همان آتشیهای مربوط دوران پیش از به وجود آمدن زمین و آتشی مربوط به کرات دیگر است و همچنان این آتش وجود دارد و از این آتش جنیان متولد میشوند.

اقسام و اصناف جن

با مراجعه به روایات معصومین (ع)، انواع و اقسامی برای «جن» مطرح شده است که نیاز به تدبیر و توجیه دارد. چنانکه رسول خدا (ص) فرموده است:

« خداوند جن را سه قسم آفرید: يك قسم مارها و عقربها و حشراتند، و قسم دیگر مانند باد در هوا روانند، و قسم دیگر حساب و عقاب دارند. و آدمیان را سه قسم آفرید: يك قسم مانند چهارپایانند، قسم دیگر بدنهایشان مانند بدن آدمیان اما جانهایشان مانند جانهای شیطانی است و قسم دیگر روزی که سایه ای جز سایه خدا نیست در سایه او هستند». این روایت به فرض صحت سند، به این معنا نیست که هر مار و عقرب و حشره ای که وجود دارد از جنیان است، زیرا چنانکه معلوم است آنها حیواناتی هستند که در گروه خزندگان یا حشرات قرار دارند و با آنچه که درباره حقیقت جن است منافات دارد. لذا ظاهراً مراد این است که گاهی شریر جنیان به صورت مار و عقرب و حشرات تمثیل پیدا کرده و جلوه می نمایند. شاهد بر مطلب حدیث رسول خدا (ص) است که به امیرالمومنین (ع) فرموده است:

« ای علی، هرگاه ماری را بر سر راه دیدی او را بکش، زیرا من با جن شرط کرده و اتمام حجت نموده ام که در صورت مارها ظاهر نشود». و نیز حکایت شده است: شخصی يك اژدها یا ماری را کشت، پس جنیان او را به سرعت برداشتند و افراد زیادی از آنها دور او جمع شدند... سپس پیش يك شیخی که سن بیشتری از آنها داشت رفته و قصه و ماجرا را برای او بیان کردند، او گفت: وي را به همان جا که کشته شد و شما برداشتید، برگردانید؛ زیرا از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود:

« هر کس که خود را به شکل و لباس دیگران درآورد، پس خونش هدر است». یعنی این جن نیز نباید خود را به این شکل درمی آورد تا کشته شود.

و به اعتباری، يك نوع از جن، شریر و بدکارند که به نام شیطان نامیده می شوند؛ و ممکن است دو نوع دیگر از آنان نیز باشند: نفوس ناقص و نارسای رها شده از کالدهای عنصری که تعلق به بدنهای مثالی دارند، و دوم نفوس قوی و نیرومندی که دارای کالبد بوده و تعلق به اجسام دخانی ناری دارند.

خصوصیات و خصلت جن

جن در خصلت شبیه ترین موجودات به انسان است یعنی موجودی که مانند انسان بلکه مانند هر حیوان دیگری تولد دارند و مانند آنها مرگ دارند. جن دوجنسی آفریده شده است و زادو ولد میکند و نامرئی هستند و سرعت و حرکت در آنها وجود دارد که سرعتش بر بشر غیر قابل تصور است در حالی که ملائکه اینطور نیستند.

اجنه عبارت از اجسام هوایی یا ناری هستند که قادرند به اشکال مختلف از قبیل: مار عقرب سگ شتر گوسفند اسب قاطر درازگوش پرنده و انسان در آیند و عجنه دارای عقل و هوش هستند. پس در جن و شیطان جنبه آتش و هوا قالب است و ساختمان بدنشان طوری است که در نهایت نرمی و لطافت بسیار قدرتمند هستند.

دنیای مربوط به جن عالمی بسیار گسترده و پیچیده است که با این همه تجهیزات برای ما در پرده غیب فرو رفته و انسانها با این همه تحقیق نتوانسته اند دستگامی مجهز بسازند تا بتوانند فعالیت و وجود جن را برای بشر آشکار کنند.

تفاوت انسان و جن

جن به دلیل عنصر و مبدا اولی اش با انسان متفاوت است. جن در آنجایی که فضیلت و کمال واقعی وجود دارد از انسان پایین تر است. و در بعضی چیزها از انسان بالاتر است که کمال واقعی شمرده نمیشود. جنیان مانند انسانها مومن و غیر مومن دارند ولی افراد اینها در ایمان آن مراتبی که انسان طی میکند را نمیتوانند طی کنند. مثلا نمیتوانند به مقام پیغمبری برسند در این جهت آنها باید از پیامبران انسانها برای سعادت پیروی کنند.

جن چرا در زمین؟

در این مورد اطلاعات کم پیدا می شد بنابراین با آقای سعیدی در سایت ایپورس متخصص عرفان و اعتقادات اسلامی گفتگویی آنلاین کردم که به شرح زیر است.

من : جن چرا در زمین است آیا آن هم مثل ما کاری کرده که باید در این جهان امتحان شود یا خودشان

من : از روی اختیار آمده اند؟

سعیدی: جن هم مثل اراده و اختیار دارد

سعیدی: مثل انسان اراده و اختیار دارد

سعیدی: و نیز به همان علت که خدا انسان را خلق نموده است

سعیدی: جن را هم خلق نموده است

من : چرا در زمین هستند؟ یعنی جای دیگری نیستند که شما می گوئید این ارتباط حرام است پس چرا در زمین هستند؟

سعیدی: هدف از خلقت انسان عبودیت و رسیدن به مرتبه کمال و بهره مندی از رحمت بی پایان الهی است. اعطاء رحمت مقتضای ذات

اوست و ذات او فیاض است که رحمت از او صادر می شود و

هر موجود را به کمال شایسته خویش می رساند.

سعیدی: هدف خلقت جن هم همین می باشد

سعیدی: زمین ملک خداست و بندگانش در این عالم می باشد

سعیدی: مثل انسان ها

من : در یک کتاب خواندم که آن ها چون آیات پیامبر اکرم(ص) را شنیده اند به زمین آمده ان آیا این درست است؟

سعیدی: خیر

و نیز چنین هم می گویند . چند تن از قوم جن در محیط زمین آیات قرآن را در بین طائف و مکه از پیامبر (ص) شنیده اند نه همه جن ها

غذای اجنه

در بعضی از روایات وارد شده که طعام اجنه بو کردن استخوانهایی است که دور می ریزند و از بو کردن استخوان سیر می شوند لذا وارد شده است که مکروه است استخوانها را زیاد پاک کنند یا با دست چربی و نشسته بخوابند و سر ظروف را شبها باز بگذارند

آیا جن نیز مانند انسان ثواب و عقاب دارد؟

گناهکاران و کافران جنیان همچون انسان اهل جهنم هستند و در عذاب الهی گرفتار میشوند. زیرا آنها مانند انسان به اعمال و عبادت مکلفند و کارهایشان از روی اختیار میباشد.

تفکرات خرافی درباره ی جن

خیلی از ما وقتی که اسم جن را میشنومیم خرافات نیز با آن تداعی میشود و آنها را با اشکال عجیب و وحشتناک و موجوداتی دم دار و سم دار موزی و پر آواز کینه توز بد رفتار که ممکن است از ریختن یک ظرف آب داغ خانه هایی را به آتش بکشند در صورتی که چنین نیست و اینها همش تفکرات غلط بشر است

آیا جن حق تسلط بر انسان را دارد؟ در چه شرایط؟؟

در این مورد اطلاعات کم پیدا می شد بنابراین با آقای سعیدی در سایت ایپورس متخصص عرفان و اعتقادات اسلامی گفتگویی آنلاین کردم که به شرح زیر است.

سعیدی: سلام وقت شما بخیر

من : سلام خسته نباشید. آیا جن حق تسلط بر انسان را دارد؟ در چه شرایط؟

سعیدی: جن به انسان کار ندارد

سعیدی: این انسان ها هستند که به جن ها کار دارند

من : آیا این ارتباط گناه محسوب می شود؟

سعیدی: بله حرام است

خواندن آیت الکرسی و چهار قل و حمل کردن این دعاها مانع نزدیک شدن جن به انسان میباشد.

بسم الله و دفع جن و شیطان

امام صادق (ع) از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می‌کند که فرمود: « هنگامی که سفره غذا را می‌گسترانند چهار هزار فرشته بر دور آن جمع می‌شوند، اگر بنده «بسم الله» گفت: فرشتگان می‌گویند: خدا بر شما و غذایان برکت فرستد، و به شیطان خطاب می‌کنند که بیرون ای فاسق، تو را بر ایشان سلطنتی نیست؛ و اگر «بسم الله» نگفت، فرشتگان به شیطان می‌گویند: بیا این فاسق و با اینها غذا بخور. و چون بعد از غذا سفره جمع شد و یادی از خدا نشد، فرشتگان می‌گویند: مردمی که خدا به ایشان نعمت ارزانی داشته و پروردگارش را فراموش کرده‌اند».

یکی از عواملی که می‌تواند هم در جهت پیشگیری و هم برای درمان جان آدمی بسیار مفید و موثر باشد این است که انسان در ابتدا و آغاز هر کاری بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». زیرا این جمله شریف یکی از بزرگترین مصادیق «ذکر الله» است و در صورتی که بر آن مداومت شود و هیچ‌گاه فراموش نگردد، این بند و درس عمیق را به انسان آگاه می‌دهد که کاری که با نام خدا، آن ذات پاک و مقدس آغاز شود نباید با آلودگیها و وساوس شیطانی و خواطر نفسانی همراه باشد، و نیز به او القا می‌شود که استعانت فقط به درگاه خداوند تعالی شایسته است، و در هیچ امری به غیر حق را دخیل نمی‌کند، و طبیعی است که وقتی انسان این چنین عمل کند دیگر جایی برای وساوس شیطان لعین باقی نمی‌ماند. مگر این که «بسم الله» لقلقه زبانی بوده و ای بسا گفتن این ذکر شریف نیز به دستور خود شیطان باشد.

«بسم الله» نه تنها در دفع و جلوگیری از شیطان مفید است بلکه در رفع و دور کردن او نیز بسیار موثر است. علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «تقسیم آیه مبارکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در مربعات به حروف ابجد، برای رفع جنیان و افراد مبتلا به جن مفید است».

ابطال سحر و جادو

برای باطل کردن سحر و جادو خواندن ۷۵ مرتبه آیه ی ۲۳ سوره الرحمن بسیار مجرب است و آن اینست ((يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْغُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَائِدُوا لَا تَنْغُذُوا إِلَّا بِسُلْطَانٍ)) (الرحمن/۳۳)

ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی‌توانید، مگر با نیروی (فوق العاده)!

اطلاعاتی جالب و خواندنی در مورد جن

- ۱- جن جانوریست دارای شعور؛ و فیزیکی غیر ارگانیک؛ که از لحاظ شان وجودی؛ از دید ادیان پایبتر از انسان و بالاتر از حیوان جای می‌گیرد. در فرهنگ فارسی به آن دیو و در فرهنگ عرب به آن جن و در فرهنگ لاتین demon یا jinn نام گرفته است. جن به معنای چیزی است که؛ پوشیده شده؛ و منظور پوشیده ماندن او از حواس ماست.
- ۲- خصوصیات فیزیکی جن از دید انسان؛ اعجاب آور است. عنصر اصلی وجودی جن آتش است و به علت نداشتن عنصر خاک؛ در وجودش مانند بارپایا؛ می‌تواند به هر شکل و اندازه ای تبدیل شود. و بسیاری از چیزها را در یک آن؛ جا به جا کند. همچنین سرعت نقل مکان بسیار بالایی دارد. می‌تواند مثلا طرف ۵ دقیقه فاصله بین لاهور و تهران را طی کرده و برگردد.
- ۳- جن ابزار ساز نیست؛ و به علت خصوصیات فیزیکی منحصر بفرود؛ قادر است در هر مکان و شرایطی زندگی کند؛ و برای همین به خانه و مسکن نیازی ندارد. زیرا سرما و گرما و باد و بوران بر او کارگر نیست. جن به وسایل حمل و نقل بی نیاز است؛ و از اینجا می‌توان فهمید که جن‌ها دارای صنعت و تکنولوژی نیستند؛ و شهر و کاشانه ای ندارند مکان معمول زندگی آنها کوه و جنگل و دشت است.
- ۴- جن مانند همه جانداران غذا مصرف می‌کند. اما به مقداری بسیار کمتر از انسان.
- ۵- جن‌ها مثل انسان جنسیت و نر یا ماده دارند. تولید مثل می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند؛ و به صورت جماعت زندگی می‌کنند و جامعه ندارند.
- ۶- جن نسبت به انسان زیاد عمر می‌کند. حدود ۱۰۰۰ سال به بالا. جن‌هایی که در سوره ی جن از آنها نام برده شده؛ که وقتی اولین بار آیات قرآن را شنیدند؛ از شدت ازدحام داشتند بر سر هم خراب می‌شدند؛ احتمالا هنوز زنده اند. جن‌ها مانند انسان داناوندان؛ فرمانده و فرمانبردار؛ ارباب و بنده؛ کافر و متدین؛ شفیق و شرور دارند. وقتی که مردند از بین می‌روند و نیازی به قبر و گورستان ندارند.
- ۷- جن دارای عقل است. اما نه عقل ابزار ساز و عقل فلسفی و خلاقیت هنری. عقل جن به معنای قوه ی ارزیابی امور روزمره یا همان عقل ماش؛ و قوه تشخیص است؛ به اضافه هوشی سرشار؛ اعم از قدرت خواندن فکر و جستجو و یافتن گذشته و آینده.
- ۸- جن‌ها مانند انسان نامگذاری می‌شوند؛ و دارای اسم و رسم و شهرت هستند دارای زبان خاص؛ و قوه تکلم هستند و قادر به فهم زبان آدمیان.
- ۹- معروف ترین جن؛ ابلیس؛ یا همان شیطان نام دارد؛ که وصف حال او را شنیده اید؛ که چون بسیار در قرب به حق کوشید به جایگاه فرشته‌های مقرب رسید؛ اما چون حاضر به سجده بر انسان؛ یعنی شریک قرار دادن بر خدا نشد از درگاه رانده شد.
- ۱۰- جن در شرایطی قادر به تسخیر انسان؛ و انسان در شرایطی؛ قادر به تسخیر جن است. انسان مسخر شده را مجنون؛ یا دیوانه؛ یا دیو زده؛ و جن تسخیر شده را؛ موکل می‌نامند. گویند خود جنیان بر سه قسمند: دیو؛ جن و پری؛ که از لحاظ مکانی؛ مادون فرشته هستند.
- ۱۱- جن می‌تواند در مواردی تربیت شده؛ به انسان خدمت کند. چنین سنتی در میان جنگیران ایران و پاکستان و هند وجود دارد. اما به طور کل؛ نه بودا؛ نه دالای لاما؛ نه اولیا الله؛ و نه عرفا و نه پیامبران هیچکدام؛ به مدد خواستن از موجوداتی که مثل انسان؛ خطا و اشتباه و گناه می‌کنند؛ توصیه نکرده اند اما همگی؛ وجود آنها را تایید کرده اند.
- ۱۲- جنیان مانند امواج رادیویی و ماهواره ای؛ با ما هستند ظاهر نمی‌شوند؛ اما حاضری می‌شوند و بعضی از آنها؛ درخانه‌ها و بدن شخصیت‌های ضعیف؛ رفت و آمد می‌کنند. یکی از راه‌های دور کردن جنهای مزاحم؛ خواندن و آویختن ۴ آیه از قرآن است؛ که با قل شروع می‌شوند. و بسیاری ادعیه؛ که درکتب مختلف وجود دارند. اماراه دورکردن انسان شرورچیست؟!؛
- ۱۳- جن‌ها؛ بعضی از ما را؛ به شکل همزاد و غیر همزاد دوست دارند؛ کمکمان می‌کنند؛ همینطور جواهرات و اشیای قیمتی ما؛ ازجمله

انگشترهایی با نگین سنگ (مخصوصاً عقیق) را بسیار دوست دارند (مخصوصاً اگر بر آن آیات و اوراد حک شده باشند). اگر دوستان داشته باشند و سخنی باماداشته باشند؛ بیشتر به خوابمان می آیند و دلسوزی خود را اعلام می کنند. خیلی از آنها خدمتگذار ارواح اولیا هستند و دست مارا گرفته اند و خیلی ها هم به کردار اکثر آدمیان اهل شیطنت، بیشتر آنها بی ضررند و مثل ما گرفتار این دنیا و درگیر و دار تقدیر خویشند. ۱۴- اما آنان که ماورای طبیعت؛ و موجوداتش را باور ندارند؛ چند دسته اند: کسانی که آنچه که نمی بینند را باور ندارند. اینها معمولاً فقط آنتی تزفصه های جن و پیری مادربزرگ ها هستند؛ که حتی زحمت دانستن کوچک ترین اطلاعاتی جز نقد داستان گرمابه های تاریک و کوتوله های پاسمی و عروسی جن ها را به خودشان نداده اند. این تیپ آدمها از ۷ سالگی که مادر بزرگه داستان های جن و پیری را برای ترساندن و خواب کردنشان تعریف می کرده؛ هنوز زیر لحاف هستند. و یا اینکه هارد دیسک کوچکشان از مسئله پر شده و دیگر تاب و پاری درک و پذیرش راز را ندارند. مثل من چهارتا کتاب خوانده اند و تمام ماجرا را در همان چهارتا دیده اند. و گروهی که پوچ یا اسورد هستند: کسانی که خویش را منکرند چه رسد به ماورای خویش. و گروه آخر کسانی که جنها؛ دستشان می اندازند و در مجالس احضار ارواح؛ در نقش یک روح برایشان شیرین کاری می کنند؛ تا فردا در مدح روح؛ کتاب چاپ کنند و جایزه بگیرند.

جن برای انسان؛ از انسان خطرناک تر نیست. همانطور که انسان برای کوسه؛ از کوسه خطرناک تر است! (در تاریخ بشر حتی یک مورد مرگ انسان به دست جن گزارش نشده در حالی که فقط در دوره حکومت استالین ۳۵ میلیون روس به قتل رسیدند آمار کشتار جنگ های مذهبی صلیبی و جنگ های جهانی و قومی و قبیله ای پیش کش) در حقیقت هیچ چیز؛ هراس ناک تر و هوس ناک تر از انسان نیست؛ که به قول توماس هابز: انسان گرگ انسان است.

۱۵- در کل؛ و بدون در نظر گرفتن موارد خاص؛ آنها به ما کاری ندارند. ماهم به آنها کاری نداریم. ازدود و دم و سر و صداهای شهر و بوی فاضلاب و فراریند. مثل ما کار و مکافات دارند. و دست آخر اینکه؛ به عقیده من؛ با تمام این اوصاف؛ تفاوت اساسی با ما ندارند زیرا که: آنها هم رنج می کشند.

دنیای ابلیس و شیطان

فرق هوای نفس با وسوسه شیطان چیست؟ اگر شیطان نبود، هوای نفس کار شیطان را نمی کرد؟

همان گونه که برای رشد و رستگاری انسان، دو دسته عوامل درونی و بیرونی وجود دارد، وجدان اخلاقی، عقل و فطرت و گرایش های عالی، انسانی از درون و انبیا و ائمه (ع) از بیرون، انسانها را به سوی کمال و سعادت دعوت می کند.

موانع رشد و کمال انسان نیز دو دسته است: هوای نفس (از جمله عوامل و موانع درونی) و شیطان یا ابلیس (به عنوان عامل بیرونی). بعضی خیال می کنند شیطان همان هوای نفس است، در صورتی که شیطان در قرآن به معنای هوای نفس، یا نفس اماره یا قوه واهمه یا یکی دیگر از قوای نفس نیست، بلکه موجودی مستقل از انسان و جن است و خداوند آن را از آتش آفرید. (۱)

کار شیطان و هوای نفس

دشمنان خارجی بدون هماهنگی با مهره های داخلی و بدون داشتن زمینه و پایگاه درونی نمی توانند موفق شوند.

شیطان (که یک دشمن بیرونی است و قسم خورده که به عزت حق تعالی درصدد وسوسه گمراه کردن انسانها برمی آید) (۲) هرگز نمی تواند بدون همراهی نفس درونی و خواسته های نفسانی، کمترین موفقیت به دست آورد.

ابلیس می گوید: خواستم انسانها را از راه وسوسه کردن به گناه وادار کنم، دیدم آنان همه زحمت هایم را با استغفار بریاد می دهند، وقتی توبه و استغفار گناهکاران را دیدم، راه دیگری در پیش گرفتم و از راه هواهای نفسانی، آنان را زمین زدم و به هلاکت رساندم، به گونه ای که می پندارند در مسیر هدایت قرار دارند، از این رو استغفار نمی کنند. (۳)

به همین جهت پیامبر (ص) فرمود: "اعدی عدوک نفسک الّتی بین جنیبک؛ (۴) بدترین و سرسخت ترین دشمنان تو، نفس تو است که میان دو پهلویت قرار دارد."

بنابراین شیطان از راه هواهای نفسانی در انسان نفوذ می کند و کار و تلاش وی را تأیید می کند. کارهای زشت را در نظر انسان، پسندیده جلو می دهد و وی را در انجام آن ثابت قدم می کند.

پس اگر هوای نفس نمی داشتیم و آمادگی از درون نباشد، شیطان توان ندارد آن را در ما ایجاد کند اما چون هوا و هوس داریم، هنگامی که در نفس خویش خواسته ای داشته باشیم و دنبالش برویم، شیطان همان را زینت داده و تأیید می کند تا بیشتر به آن جذب شویم. (۵)

گرچه شیطان موجودی مستقل از هوای نفس است، اما مستقل از هوای نفس نمی تواند کاری بر ضد انسان انجام دهد، بلکه هواها و

خواسته های نفسانی ما را تأیید و تشویق و ترغیب می کند، یعنی در برابر هوای نفس استقلال وجودی دارد، ولی استقلال عملی ندارد. (۶) با توجه به توضیحات ذکر شده معلوم گشت هر یک از دو نیروی درونی و بیرونی، تأثیرات ویژه ای دارند، بنابراین نمی توان گفت اگر شیطان نبود، هوای نفس کار شیطان را انجام می داد، بلکه هوای نفس کار خودش را انجام می داد، نه کار شیطان را. در واقع اگر شیطان نبود، هوای نفس توسط شیطان تأیید و تقویت نمی یافت.

فرق ابلیس و شیطان در چیست. شیطان و ابلیس: شیطان در لغت، اسم جنس است به معنای موجود شرور و شامل هر موجود متمرّد و طغیانگر و خرابکاری می‌شود. خواه از جن باشد یا انسان یا سایر موجودات. به همین جهت در قرآن کریم گاه به صورت مفرد و گاه به جمع به کار رفته است مانند تعبیر شیاطین الجنّ و الانس (انعام / ۱۱۲).

اما شیطانی که معمولاً مورد سخن است، موجودی است به نام ابلیس که در قرآن سخن از او آمده است ابلیس، موجودی است از نوع جنّ که به فرموده قرآن کریم به واسطه عبادت پروردگار در رتبه ملائکه قرار گرفته بود لکن با تکبر و طغیان از فرمان و دستور الهی مطرود واقع گشت و قسم یاد کرد که بنی آدم را اغوا کند. «فسجدوا الا ابلیس کان من الجنّ ففسق عن امر ربّه» (کهف / ۵۰). بنابراین حقیقت ابلیس، از جنس جنّ است. جن در لغت به معنای پوشیدگی و پنهانی است یعنی موجودی که برای ما در شرایط عادی، قابل درک حسی نیست. همان گونه که انسان از خاک آفریده شده، جنّ از آتش آفریده شده «و الجنّ خلقناه من قبل من نار السموم» (حجر / ۳۷).

ابلیس که از طایفه جن بود در طغیان و سرپیچی از اوامر خداوند، می‌گوید «خلقتنی من نار و خلقته من طین» (اعراف / ۱۲). بنابراین ابلیس موجودی است جسمانی لکن از جنس آتش آفریده شده نه خاک و عنصری لطیف و غیر قابل حس است. ابلیس و شیطان به مانند انسان و بشر مترادف و هم معنی هستند. ابلیس از نظر لغوی به معنی مایوس و متحیر آمده از ماده بلس و شیطان از ماده شاط به معنی کسی که از غضب برافروخته است و یا از ماده شطن به معنی دوری است که دوری از خوبی‌ها و دوری از خداوند مراد است و درکل مراد از این دو لفظ همان شیطان است. ولی در قرآن آیاتی که مربوط به سجده نکردن شیطان است واژه ابلیس آمده همچنین در جریانات راجع به حضرت آدم(ع) بیشتر واژه ابلیس آمده و در چند مورد شیطان آمده است و موارد دیگر استعمال شیطان برای شیطان معروف و سایر شیاطین آمده است به همین جهت برخی مدعی‌اند ابلیس عَلم و اسم خاص، همان شیطان معروف است که سجده نکرد گر چه در قرآن ابلیس در غیر شیطان معروف به کار نرفته ولی دلیلی بر این ادعا وجود ندارد و واژه ابالسّه که جمع ابلیس است در روایات فراوان آمده که نشانگر این است که علم و اسم خاص برای ابلیس که سجده نکرده نیست.

واژه ابلیس

برخی از واژه سنایان (ابلیس) را لغتی عجمی و معرب و یونانی (دیابلوس) میدانند برخی دیگر نیز این واژه را عربی و مشتق از (ابلاس) به معنی نا امید شدن سرگردانی و سکوت و خزن... میدانند.

واژه ابلیس ۱۱ مورد در قرآن کریم به صورت مفرد آمده است که ۹ مورد آن مربوط به ابا ابلیس است که از سجده ادم سر باز زد. مراد از ابلی در قرآن مجید موجودی زنده با شعور مکلف فریبکار متمرّد فرمان خدا و اسم خاص برای شیطان در حقیقت رئیس همه شیاطین است که سجده بر آدمی را قبول نکرد و از درگاه خدا رانده شد. به گفته قرآن ابلیس از نژاد جن بوده است و در جمع فرشتگان عبادت میکرده است

آیا ابلیس از جن بوده است یا فرشته؟

به گفته قرآن کریم ابلیس از نژاد جن بوده که در میان فرشتگان عبادت میکند. آیات و روایات دلالت دارند که در میان جنیان جنی از شخصیت ممتازی برخوردار بوده است و در شیطنت و فریبکاری در مقام عالی بوده است اما در ابتدا به خاطر بندگی و اطاعت از خدا در جمع فرشتگان بوده است ولی به خاطر غرور و کبر آنچنان سقوط کرد که سرمایه معنوی خود را از دست داد و دلیلش سجده نکردن بر انسان بود و منفورترین موجود در درگاه خداوند شد.

گفتگوی ابلیس با خدا

در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که ابلیس به خدا گفت: پروردگارا آیا با اینکه تو خداوند عادل و هرگز ستم روا نمیداری ثواب اعمال گذشته ام را نمیدهی؟ خداوند فرمود: از ثوابت آخرت نمیدهم و لیکن از دنیا هر آنچه خواهی میدهم. ابلیس اولین چیزی را که از خدا درخواست کرد این بود که خدایا مرا تا روز قیامت زنده بدار و خدا نیز قبول کرد.

ابلیس به پنج دلیل مستوجب لعنت گردید))

- ۱: ابلیس از کرده خود پشیمان نشد و کبر او راهی برای اعتراف نگذاشت.
- ۲: ابلیس از خداوند عذر خواهی نکرد.
- ۳: ابلیس از نافرمانی نفس خود را ملامت نکرد.
- ۴: ابلیس توبه را بر خود واجب ندید.
- ۵: ابلیس از رحمت خدا نا امید شد.
(تعدادی از فرزندان ابلیس و کار آنها)
- اعوریا زوال: کارش شرکت در نکاح و آمیزش جنسی است.
وهار: در خواب انسان میاید و باعث آزار در خواب میشود.
تمریخ: که کمک کننده به ابلیس است.
متکون: که به هر صورتی در میاید تا انسان را گول بزند
مذهب: که به هر صورتی در می آید مگر به صورت پیامبر اکرم (ص) یا وصی او.
رها: مانع بیدار شدن بندگان برای نماز شب است.
مبسوط یا مشوط: صاحب دروغ است
مطروش: اخبار نادرست و دروغ را بر سر انسان ها جاری می سازد
رکتبور یا زلنبور: که یاه و سوگند دروغ و تعریف و تمجید کالاها را در نظر بازاریان کاری شایسته جلوه می دهد
ثیر یا ثبور: که بر مصائب و آسیب ها مامور است
خنزب: که توجه قلبی را در نماز بر طرف می کند.
ایض: مردم را به خشم می آورد.
یاونها: که طهارت و تمیزی را زیر نظر دارد.
داسم: مانع سلام کردن و یاد خدا میشود

(کار ابلیس و یارانش) .

- ۱: تحریف به بدی و دروغ بر خدا
- ۲: ایجاد ترس در اولیا خدا
- ۳: وعده های دروغ
- ۴: ایجاد دشمنی میان مسلمانان با قمار و باده
- ۵: حالت آماده باش برای دشمنی با انبیا
- ۶: جلوگیری از ذکر خدا و انبیا
- ۷: خلف وعده
- ۸: تزیین و تسویل کارهای زشت
- ۹: ایجاد نسیان از ذکر خدا
- ۱۰: پروردن آرزوهای دور و دراز در انسان
- ۱۱: وا داشتن مردم در ایجاد دگرگونی در فرمان خدا
- ۱۲: تعلیم سحر و جادو
- ۱۳: ذلت آفرینی برای بشر
- ۱۴: همدمی با فراموش کنندگان خدا
- ۱۵: اعمال سلطه و قدرت در دوستان خود
- ۱۶: عصیانگری در برابر خدای سبحان
- ۱۷: استکبا

(ازدواج ابلیس)

در روایات آمده که ابلیس با خودش ازدواج میکند و یک عضو تناسلی نر و ماده دارد که خودش با خودش آمیزش کرده و روزی ۱۰ تا بیچه میزاید و بیچه هایش همه نرند و در بین آنها ازدواج وجود ندارد

واژه شیطان))

واژه شیطان از لغت عبرانی (هاشیتین) به معنی مخالفت و دشمنی گرفته شده است. شیطان مفرد شیاطین است که به معنای طول امتداد دوری و پلیدی نا خوشایندی غضب باریکی و ناپیدایی است. شیطان و یا شیاطین به مه هر موجود سرکس طغیانگر و مودی نسبت داده میشود.

(نزدیکترین حالت شیطان به بنده)

۱: در حالت خشم

۲: در حالت حکم و قضاوت

۳: خلوت نمودن یا زن بیگانه

(تعبیر دیدن شیطان در خواب)

از امام صادق (ع) نقل است که دیدن شیطان در خواب بر ۶ وجه است:

۱: دیدن دشمن

۲: فساد دین

۳: شهوت و هوای نفس

۴: دوری از عبادت

۵: دوری از اهل صلاح

۶: خوردن چیز حرام

(مکانهای حضور شیطان)

درست است که ما شیطان را نمیبینیم ولی به اصطلاح رد پای آنان را میتوان مشاهده کرد. هر جا که مجلس گناه است هر موقع که پای رزق و برق دنیا و تجملات به میان بیاید در موقع بر افروخته شدن خشم که گویا در این موارد انسان صدای وسوسه های او را میشنود.

((خوراک شیطان))

محققین معتقد اند که شیاطین خوردن و آشامیدن دارند و خوراک آنان مانند خوراک افراد برزخی است{{بنا به روایتی}}

(بهترین دام شیطان)

زنان بهترین تله و دام شیطان هستند وقتی انسان شیطان را زیاد لعنت میکند او دست به دامن زنان میشود و از راه غریزه جنسی کارشان را میسازد.

(شیطان و فساد در زندگی)

شیطان برای گمراهی بشر از صلاح آرزوها استفاده میکند و انسان را مشغول فکر در مورد آرزوهای دور و دراز میکند که باعث دوری از اطاعت خدا میگردد.

(نتیجه اطاعت از شیطان)

۱: فرو ریختن لباس تقوا

۲: آشکار شدن زشتی ها

۳: دوری از مقام قرب الهی

۴: سقوط از مقام والای انسانیت

۵: رانده شدن از بهشت

۶: افتادن در سنگ لاختهای زندگی

(شیطان پرستان چه کسانی هستند؟)

هنوز هم شیطان پرستی در این جهان به اصطلاح پیشرفته جود دارد. محل زندگی آنها در ولایت موصل عراق و ناحیه شیخان در ۱۶۰ کیلومتری موصل است. بعضی هم در ارمنستان ایروان اطراف تغلیس و عده ای هم در جنوب ایران سکونت دارند. از جهت اینکه یکی از برنامه های آنها مخفی نگه داشتن مذهب خودشان است اطلاعات کافی از ریشه دین آنها در دسترس نیست. آنها از دل و جان ابلیس را میپرستند نجات دنیا و آخرت خود را در پرستش شیطان میدانند. آنها میگویند خداوند دوباره با شیطان صلح میکند و او را باز میگرداند.

(مراسم نیایش شیطان پرستان)

این گروه برنامه های خاصی برای نیایش دارند. نازلترین آنها این هست که به قبرستان رفته و اجساد را از قبرها بیرون می آورند و صلیب شکسته و ستاره شش پر را در بدن جسد فرو برده و سپس برای تقرب به شیطان دور آن میگردند و گاهی قربانیانی هم تقدیم میگردند (گره ماده یا سگ) بعد از کشتن خون آن را به دست و صورتهای خود مالیده تا شیطان راضی باشد و بعد از آن قران را پاره کرده و در حالی که صدای موسیقی (راک)نواخته میشود به استعمال مواد مخدر و میپردازند

روایت است که شیطان مانند انسان چشم و گوش دارد و دو دست و دو پا دارد دارای دمی بلد است و دوشاخ به اندازه ۳۰ سانتیمتر در سر دارد انگشتان و ناخن‌ها بلند اندامی لاغر و بدنی وسیاه و عریان دارد. طنین خنده‌ها پیش گوش خراش است و به هنگام خنده از دهانش آتش بیرون می‌آید!

سئوالات رایج

خدای تعالی قبل از خلقت شیطان می دانست که چه کار هایی از او صادر می شود پس چرا شیطان را آفرید و حکمت آفرینش او چیست و آیا امکان دارد خداوند ابلیس را ببخشد؟

در این مورد مکالمه آنلاین با منتظری متخصص کلام و فلسفه اسلامی در سایت ایپرسش شد که به شرح زیر می باشد
من : سلام خدای تعالی قبل از خلقت شیطان می دانست که چه کار هایی از او صادر می شود پس چرا شیطان را آفرید و حکمت آفرینش او چیست؟
پاسخ: حکمتش را کسی نمیداند شاید برای اینکه خداوند در وجود ما هم خوبی را داده و هم بدی و خوبی را با پیامبران تقویت کرده است شاید خواست بدی را با وجود شیطان تقویت و توازن را ایجاد کند
- بسیاری می پرسند: با این که خداوند می دانست او سرچشمه همه وسوسه ها و گمراهی ها و فریب کاری ها می شود و همه بدبختی های انسان از او خواهد بود، آن هم موجودی هوشیار، زرنگ ، کینه توز، پرفریب و مضمم . چرا او را آفرید؟ اگر خدا انسان را برای تکامل و رسیدن به سعادت آفرید
-کار شیطان در حد وسوسه است و اختیار را از انسان سلب نمیکند
من : آیا امکان دارد خداوند شیطان را ببخشد؟
منتظری:ممکنه نمیدانم

(آیا امکان دارد خداوند شیطان را ببخشد؟)

با توجه به قرآن و احادیث: در اینجا چند نکته قابل توجه است:

۱. از آن جا که به تصریح قرآن کریم، "شیطان" از گروه جنّ است. (کهف، ۵۰) از طرفی، انس و جنّ را مکلف به انجام تکالیف الهی می‌داند و می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (ذاریات، ۵۶) و من جنّ و انس را نیافریدم، جز برای این که عبادتم کنند. (و از این راه تکامل یافته و به من نزدیک شوند)". پس او موجودی است مختار و انتخاب‌گر، اگر حقّ را پذیرفت به پاداش نیک می‌رسد و اگر باطل را انتخاب کرد به عذاب. قرآن کریم از قول خود جنّ نقل می‌فرماید: "و این که در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیر صالحند و ما گروه‌های متفاوتی هستیم." (جن، ۱۱) بنابراین، شیطان مکلف است که توبه کند و ایمان به خداوند و انبیا الهی داشته باشد؛ هر چند از برخی آیات استفاده می‌شود که او ایمان زبانی به خداوند و وحدانیت او و یا ایمان به روز قیامت نیز دارد؛ مثلاً: وعده‌های خداوند را حقّ می‌داند (ابراهیم، ۲۲)، از پروردگار عالمیان بیم دارد و از کفر بی‌زار است. (حشر، ۱۶ و انفال، ۴۸)، قسم به عزّت خداوندی خورد و از او تا روز قیامت، برای گمراه کردن مردم مهلت می‌طلبد. (ص، ۷۹-۸۲)؛ لیکن او در آن آزمون الهی، در مقابل حقّ، تکبّر کرده و نافرمانی خود را نیز توجیه کرده و در عمل بی‌ایمانی خود را ثابت کرد. [ملاحظه کنید: (حجر، ۳۳)؛ (اعراف، ۱۲) و چنان پست و مطرود شد که او را از قرب حق بیرون راندند و رجیم شد و همه این‌ها به سوء اختیار و بداندیشی او برمی‌گردد.
 (رجوع کنید به: معارف قرآن (خداشناسی - کیهان‌شناسی - انسان‌شناسی)، تألیف: محمد تقی مصباح یزدی، ج (۲-۱)، ص ۲۹۵-۳۰۱، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی).
۲. این که شیطان توبه کند و مجدداً به عبادت خداوند پرداخته و از وسوسه‌گری و اغوا و گمراهی دست بردارد و جزء مقرّبان درگاه حقّ گردد، امری است که "امکان عقلی" و ذاتی دارد، یعنی "عقل"، چنین چیزی را محال نمی‌داند که شیطان دوباره در صف ملائکه قرار گیرد، خصوصاً با توجه به نکته فوق، که او موجودی مکلف است ولیکن توبه و قرب او به حقّ، در عمل محقق نخواهد شد؛ زیرا با توجه به علم خداوند متعال به روحیه استکباری او، خبر از عدم توبه و هدایت او داده است؛ او را تا روز قیامت مورد لعنت خویش قرار داده "وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ الَّتِي لَيَوْمَ الدِّينِ" (حجر، ۲۵) و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود.
 خداوند با تأکید فراوان، او و پیروانش را اهل جهنّم خوانده و می‌فرماید: "به حق سوگند و حق می‌گویم که جهنّم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پُر خواهم کرد." (ص، ۸۴-۸۵) و هیچ معصیتی از هیچ کس سر نمی‌زند، مگر آن که اغوا و وسوسه شیطان در آن نقش دارد و در حقیقت، شیطان ریشه تمامی فسادها و معصیت‌ها است؛ در نتیجه همه لعنت‌ها و وبال‌ها، حتی همان مقداری که به خود گنه‌کاران متوجه است، به او نیز برمی‌گردد. (تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۲، ص ۱۵۹، اسماعیلیان). بنابراین، هر چند راه بازگشت دارد. ولی توان و قابلیت برگشت را از خود سلب کرده است و السلام.

۱. مصباح بزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۳۱.
۲. سوره ص (۳۸) آیه ۸۲.
۳. محمدی ری شهنری، میزان الحکمة، ج ۴، ص ۲۴۷.
۴. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۶۴.
۵. اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۳۴.
۶. همان، ص ۲۳۶.

--- نهج البلاغه --- قرآن --- (همدان) ان استان های تب :منابع
(یعقوبی هیری) شگفت ی ای کتاب دن
شگفت ی ای و تمام منابع آخر کتاب دن ---
ر نمونه ی تفس ---
زان ی و م ---
--- کی مطهر ی ر سوره جن مرتضی تفس ---
--- بحار الانور
--- ی اصول کاف
--- (ی هاشم رسول) شی چهل حد -- ر ها در مورد جن ی ر تفس ی و سا
--- (ی ابولفتح دعوت) جن در قرآن
--- (م برزگری کر) ی طان شناس ی ش
--- (کاتب ابن منظور) لسان العرب
--- (یعقوبی هیری) شگفت ی ای مراجعه شود به کتاب دن) .و
www.eporsesh.com
نی آنلا ی پاسخ گو